



ویرانه‌ها در یک محدوده وسیع پراکنده‌اند



است که روی دیواره شمال شرقی قلعه بنا شده بود.



در زاهدان کهنه و مناطق اطراف آن مجموعه بناها و ساختمان‌های بسیاری از دوران اسلامی وجود دارند. یکی از این مجموعه‌ها در فاصله حدود ۲۵۰ متری جبهه شمال شرقی و جنوب غربی این بنا که ضخامت آن‌ها به ۱۲۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر می‌رسد بهتر از دیوارهای سایر جبهه‌ها که در مسیر وزش باد قرار داشته‌اند، باقی مانده‌اند.

در مرکز حیاط محصور این قلعه، باقی مانده‌های بنای بزرگ این ساختمان نشان می‌دهد که این بنا به احتمال بسیار زیاد در محل سکونت امیر و حاکم منطقه بوده است. وضعیت موجود ساختمان همچنین نشان دهنده این نکته است که در ورودی اصلی آن در جبهه شرقی و در جایی قرار داشته است که توده‌های ضخیم باقی مانده خشت و گل و چینه نشانی از وجود پلکانی است که این در را به داخل تالار متصل می‌کرده است. در پشت دیوار تالار مرکزی، بقایای ساختمان دیگری وجود دارد که حاکی از وجود پلکان دیگری این بار برای رفتن به پشت بام و یا طبقه دوم احتمالی بنا بوده است. تعداد دیگری از بناها و آثار ساختمانی نیز در همین جا دیده می‌شوند که احتمالاً برای انجام خدمات جانبی دربار حاکم وقت بنا شده‌اند. یکی از آن‌ها ساختمانی بزرگ در کنار دیوار جنوب غربی است که دارای نقشه‌ای شبیه ساختمان مرکزی قلعه است. در بخش شمال غربی این بنا و با مقداری فاصله از آن، باقی مانده‌های دو بنای دیگر دیده می‌شوند که اهالی یکی از آن‌ها را یخدان و دیگری را مسجد محل می‌دانند در ساختمان منتسب به مسجد بقایای محراب که به طرف قبله بوده است، وجود دارد. این شهر نیز مانند سایر شهرهای ایران اسلامی دارای سه قسمت عمده بود. شهرهای ایران در دوره‌های پس از اسلام ابتدا با همان شکل اولیه به حیات خویش ادامه دادند. ارگ یا کهنه، شارسرستان و ربض، به عنوان اجزای اصلی شهرهای ایرانی زمان ساسانیان در ساخت شهرها پدید آمده بودند و در سال‌های اولیه نیز اجزای شهرهای اسلامی را تشکیل می‌دادند. به تدریج بر اساس ویژگی‌هایی که شهرنشینی و شهرسازی پس از حاکمیت اسلام دارا شد، تغییراتی در ساخت شهرها صورت گرفت.

ویرانه‌هایی، بازمانده از ارگ زاهدان کهنه

ویرانه‌ها هنوز هم می‌توانند شکوه تاریخی بناها را نشان بدهند



خشکی، شاید یکی از دلایل متروکه شدن زاهدان کهنه باشد



می‌شود؛ اما وزش شدید باد منجر به فرسایش شدید دیوارهای موجود شده است.

آثار بناهای بزرگ و حجیم در خارج از ساختمان قلعه دیده نمی‌شود و به جای آن مجموعه بناهای کوچکی در این بخش‌ها دیده می‌شوند که براساس آثار و شواهد موجود بناهای خدماتی قلعه بوده‌اند. آنچه که امروزه از زاهدان کهنه به یادگار مانده، شامل برج و باروی شهر و قلعه تیمور است.

به طور کلی شهر مانند سایر شهرهای قدیمی پیش از اسلام و شهرهای آسیای میانه دارای سه حصار آبادی بوده است که نشانه‌های به جا مانده از معماری شهر، وضع آن را مشخص می‌کند. بخش اصلی شهر، ارگ (کهنه) است که پس از آن شارسرستان (شهرستان) و سپس ربض شهر قرار داشته و گرداگرد هر یک را حصار به همراه برج‌های تدافعی در برگرفته است. حصار شهر تا حدودی قائمه و به شکل مستطیل دیده می‌شود.



با توجه به مصالح مورد استفاده در بناها که تمام خشت خام به همراه ملات کاهگل و اندود گچ بوده، در بعضی مواقع آجرهای مکعبی لایه‌ای خشت‌ها به کار رفته است و به نظر می‌رسد بسیاری از بناهای شهر زاهدان را با آجر ساخته بودند به طوری که آجرهایی با ابعاد ۵ در ۱۴ در ۲۷ در ۵ در ۲۷ در ۲۷ سانتیمتر به وفور در بخش جنوبی شهر پراکنده است که متأسفانه در قرن‌های اخیر مردم منطقه بسیاری از آن‌ها را با تخریب بناهای باستانی، برای ساخت مقبره‌های مردگان خود به آنجا منتقل کرده‌اند. گفته می‌شود «زاهدان کهنه» از پنج بخش مجزا به نام‌های ارگ اول، ارگ دوم، قطعه، شارسرستان (جایی که افراد شهرنشین زندگی می‌کردند) و حومه که اطراف شارسرستان را در بر می‌گیرد، تشکیل شده است. غیر از ربض شهر که فاقد حصار است، هر یک از دیگر بخش‌های این محوطه عظیم با حصار و قطور و برج‌های مستحکم خشتی محصور شده‌اند. به گواه تاریخ، زاهدان کهنه یکی از بزرگ‌ترین شهرهای ایران در سده‌های میانه اسلامی است که فقط وسعت مجموعه قلعه، ارگ و شارسرستان محصور آن به حدود ۳۲۵ هکتار می‌رسد. از جمله مکان‌های شهر، دروازه معروف به بختیاری

تیمور که این جسارت و سرسختی را دید، برآشفست و دستور داد همه آن ۴۴ تن را از دم تیغ گذرانند. از آن پس تاکنون مردم سیستان به پاس احترامی که برای آن ۴۴ پیر قائل بودند، نام این شهر را که مدفن آن بزرگواران بود، زاهدان گذاشتند